

An Introduction to Future Thinking from the Perspective of Christianity

Omid Woghoufi ¹ | Amir Abbas Prajang ²

Research Paper

Received:
11 October 2021

Accepted:
16 June 2022
P.P: 143-175



Abstract

Not only the Islam is not against the production of wealth, but the vision of a modern Islamic civilization is free from poverty and material need. But the prominent liberal democracy, which was depicted as the end of history, justice is the main focus of the economy in the modern Islamic civilization. In the second stage of Islamic revolution, we need identification and specification, as well as the design of the ideal model in the pillars of Islamic civilization. Many researches have been done in Islamic economy and there are also researches on the subject of economy in Islamic civilization. But according to the popular nature of the Islamic economy and the model of resistance economy, no research found about most important part of this popular economy that is "business", The method of descriptive research content analysis has been used for identification and specifications as well as the design of a desirable business model (in the private sector) in Islamic civilization. Jihad, team building, formal structure, productivity and quality, regularity, tact and taking advantage of opportunities and justice as the components of business and divine gifts and improvement of business environment as the components of environment have been identified and explained.

Keywords: Business, Economics, Islamic, Civilization.

1. Assistant professor and faculty member of Imam Hossein University, Tehran, Iran.
2. Corresponding author: Doctoral student of Imam Hossein Jame University, Tehran, Iran.



مقدمه ای بر آینده اندیشی از منظر مسیحیت

دکتر امید وقوفی^۱ | امیر عباس پراژنگ^۲

چکیده

در این مقاله با هدف شناسایی نگاه مسیحیت به آینده، به واکاوی ریشه‌های تاریخی، الهیات و تفکرات مسیحیت پرداخته شد و با شناخت نسبت به تفکرات مسیحی با رویکرد آینده‌پژوهی، تلاش شد تا چارچوب آینده‌اندیشی مسیحیت احصا و تبیین شود. پژوهش حاضر ماحصل بررسی مقالات و تحلیل محتوای کیفی در خصوص نگاه به آینده و باور به آخرالزمان در آیین مسیحیت است. بر همین اساس، تلاش گردید با مدنظر قرار دادن عنصر «زمان» که موضوعی کلیدی در مطالعات آینده‌پژوهی است؛ و تطبیق آن با الهیات، عقاید، رخدادهای تاریخی، مطابق نگاه دیتور مبنی بر پایه‌های چهارگانه ساخت آینده، مدل مفهومی برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش استخراج گردد. بر این اساس روندهای سکولاریسم، گسترش اسلام و موج مهاجران مسلمان در کشورهای مسیحی، فمینیسم و تلاش برای ارائه چهره‌ای رحمانی و اهل گفتگو و تعامل از مسیحیت احصا شد. تصاویر نیز به صورت تصاویر تاریخی و آرمانی طبقه‌بندی شد؛ که بر این اساس تصاویر تاریخی شامل گناه نخستین، تثلیث، حضرت مریم (س)، تقابل پولس و پطرس، عصمت پاپ یا جامعه مسیحیت، آیین یهود به عنوان خاستگاه مسیحیت، مکاشفات، جنگ‌های صلیبی و مواجهه با اسلام، جام مقدس، رفورماسیون و جنبش اصلاح‌طلبی مارتین لوتر، جنگ‌های مذهبی اروپا، تفتیش عقاید و دعوا با علم؛ و تصاویر آرمانی شامل بازگشت مسیح، دجال یا آنتی کرایست، حکومت صلح جهانی (هزاره)، سرزمین موعود، برپایی هیکل سلیمان و آزماگدون استخراج شد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌اندیشی، مسیحیت، تصاویر، روند.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری دانشگاه جامع امام حسین(ع) تهران، ایران.

مقدمه

در این مقاله با هدف شناسایی نگاه مسیحیت به آینده به بررسی افکار و اندیشه‌ها پرداخته شده است. لازم است ابتدا به این سؤال اساسی پاسخ داده شود که اقدامات مسیحیان در طول تاریخ چگونه آینده مسیحیت را که در حال حاضر آینده آن زمان نیز جزئی از تاریخ شده است، شکل داده و چگونه از منظر مذکور وقایع امروز توانایی رقم زدن آینده مسیحیت را دارند؟ نه تنها بررسی آینده اندیشی از منظر مسیحیت بدون در نظر گرفتن ریشه‌های تاریخی آن جامع و کامل نخواهد بود؛ بلکه امکان پذیر نیز نخواهد بود.

اندیشیدن به آینده و تلاش برای اثرگذاری بر رویدادهای در حال شکل گیری، مقوله تازه‌ای نیست و به دسته‌ای خاص و با نگرشی ویژه اختصاص ندارد، بلکه پدیده‌ای جهان‌شمول و فراگیر است که می‌توان خاستگاه و ریشه آن را همپای دیرینگی بشر بر کره خاکی دانست و در تمامی اقوام، ملل و جوامع، مردم به آینده و اهمیت آن در زندگی توجهی درخور دارند. برای مثال، غیب‌گویی به شیوه‌های گوناگون در تمام جوامع وجود داشته است. گاه مراد از غیب‌گویی، همان‌گونه که از ریشه واژه در زبان لاتین برمی‌آید، آشکارسازی اراده خدایان بوده است. اگرچه واژه غیب‌گویی بر کشف و ادراک مسائلی ابهام‌آلود، ناشناخته و رازگونه اطلاق می‌شود که می‌کوشد از آینده‌ای قطعی، جبری و بی‌بدیل رخ‌نمایی کند، اما باین حال همچنان این امید و چشم‌داشت وجود دارد که با پیشه ساختن تدابیری مناسب بتوان از رخداد وقایع نامطلوب و پیش‌بینی پذیر جلوگیری کرد. البته باید یادآور شد که برخی از روش‌های غیب‌گویی بر کشف الگوهای تکرارپذیر و سازمند رویدادها تکیه دارند و از همین رو، شیوه‌های منطقی برای تحلیل روندهای تکرارپذیر هستند (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲).

از این رو پرسش اصلی پژوهش این است که آینده‌اندیشی از منظر مسیحیت از چه ابعاد و چارچوب نظری برخوردار است؟ برای پاسخ به این پرسش، سؤالات فرعی ایجاد می‌شود از جمله اینکه ریشه‌های تاریخی آینده‌اندیشی مسیحیت کدامند؟ پیشران‌های تأثیرگذار بر آینده‌اندیشی

مسیحیت کدام است؟ و نقاط افتراق و تفاوت نگاه‌های آینده‌اندیشی میان سه نحله اصلی مسیحیت چیست؟

تصور رایج از مسیحیت اولیه این است که با یکپارچگی کامل آغاز شد و در ادامه به گروه‌هایی تقسیم شد اما برخلاف این پندار، تحقیقات نشان می‌دهد که آیین مسیحیت از همان ابتدا با تکثر آغاز کرد. می‌توان سده اول مسیحیت را به سه بخش تقسیم کرد:

الف) عصر حیات زمینی مؤسس دین یعنی حضرت مسیح (ع) (۱ تا ۳۰ میلادی)

ب) عصر گسترش مسیحیت (۳۰ تا ۶۴ میلادی)

ج) عصر نزاع‌های عقیدتی (۶۴ تا حدود ۱۰۰ میلادی)

در مورد عصر گسترش مسیحیت این توضیح لازم است که در این دوره دو شخصیت پس از حضرت عیسی (علیه‌السلام) نقش آفرینی کرده‌اند. یکی پطرس و دیگری پولس؛ فلذا می‌توان به صراحت ادعا کرد که از همان آغاز عصر گسترش مسیحیت، بین مسیحیان انشعاب ایجاد شده و آن‌ها به دو گروه طرفداران پطرس و طرفداران پولس تقسیم شده بودند؛ اما در عصر نزاع‌های عقیدتی که پس از کشته شدن پطرس و پولس آغاز می‌شود غلبه اندیشه‌های پولسی بر پطرسی تا حدی نمایانگر است؛ فلذا شاید بتوان گفت که در اواخر قرن اول میلادی مسیحیان بعد از شکافی که بینشان ایجاد شده بود تقریباً به یک دسته یعنی طرفداران پولس تبدیل شدند.

از این به بعد دیگر شکاف عمده‌ای بین مسیحیان ایجاد نشد تا حدود قرن چهارم میلادی که اولین شکاف عمده در دنیای مسیحیت بین آنچه اکنون کلیسای کاتولیک رم و کلیسای ارتدکس شرقی نامیده می‌شود، رخ داد. علت این انشعاب تقسیم شدن امپراتوری روم به دو امپراتوری روم غربی با پایتختی روم و امپراتوری روم شرقی با پایتختی قسطنطنیه (استانبول) بود.

وضع به همین منوال گذشت تا اینکه به خاطر سخت‌گیری‌های بیش از اندازه کلیسای روم غربی (کاتولیک) مردم از کلیسا زده شدند و در نتیجه عده‌ای از باورمندان به انجیل علیه کلیسا شورش کردند و خواستار آزادی شدند؛ و این آغاز دومین شکاف عمده در میان دنیای مسیحیت بود که از آن به دوره نهضت اصلاح دینی نیز تعبیر می‌کنند. این تلاش‌های اصلاحی در داخل و خارج کلیسا منجر به چندین شکل جدید از مسیحیت شد که در حکومت، اعتقاد و عمل از یکدیگر متمایز بودند.

پس می‌توان مذاهب مسیحیت را چنین تقسیم‌بندی کرد:
 طرفداران پطرس: که در همان قرن اول میلادی مغلوب عقاید پولسی شدند.
 طرفداران پولس: این دسته خود نیز با صرف‌نظر از انشعابات کوچکی که در طی قرون ۱ تا ۴ داشتند در قرن چهارم به دو گروه عمده تقسیم شدند که آن‌ها عبارت‌اند از:

▪ ارتدکس‌ها

▪ کاتولیک‌ها

با بروز نهضت اصلاح دینی کاتولیک‌ها خود به دو دسته بزرگ تقسیم شدند:

▪ کاتولیک‌ها (معتقدان به پاپ و کلیسای سنتی)

▪ پروتستان‌ها (معتزضان به پاپ)

اما کار به همین جا ختم نشد و در میان هر کدام از این دو گروه کاتولیک و پروتستان هم انشعابات بی‌شمار وجود آمد که به‌طور اختصار به معرفی آن‌ها پرداخته شده است:
 اول: کاتولیک‌ها: در این دوره در اثر نهضت اصلاح دینی از کاتولیک‌ها شاخه دیگری جدا می‌شود به نام مورمون‌ها.

مورمون‌ها: مؤسس اول این فرقه شخصی به نام جوزف اسمیت (۱۸۰۵-۱۸۴۴ م) بوده است. از عقاید آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:
 خداوند شکل انسان است و دارای گوشت و استخوان است.

مسیح ابتدا مورد ضرب و شتم واقع شد سپس به دار آویخته شد، جسد او سه روز در قبر بود تا اینکه دوباره زنده شد و به آسمان صعود کرد.
 سرزمین موعود (ارض موعود) ایالات متحده امریکاست و کلیسای کاتولیک قرن‌هاست راه به خطا رفته است.

فرقه مورمون‌ها در میان تمامی فرق مسیحی از جمله موعودباورترین فرقه‌هاست و عقاید این فرقه نیز نسبت به سایر فرق، دارای خرق عادت و فاصله بیشتری می‌باشد.

دوم: پروتستان‌ها: این فرقه نه تنها از اطاعت رؤسا و پاپ‌ها در آمدند، بلکه در تعالیم انجیلی به کلی از اطاعت کلیسای روم سرباز زده، اعتنائی به دستورات صادره از آنان نکردند. با این همه خود این گروه نیز از اختلاف و چنددستگی مصون نماندند و به دسته‌های مختلفی تقسیم شدند که

از جمله آن‌ها می‌توان به «لوتریه» که توسط مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶ م) پایه‌ریزی شد، «اناباپتیست‌ها» که عقاید رادیکال داشتند و توسط کاتولیک‌ها و لوتریان متفقاً تکفیر شدند، «متدیست‌ها» که توسط جان وزلی در ۱۷۶۶ میلادی تأسیس شد و پیروانی در امریکای شمالی دارد و «پیورتان»‌ها که یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فرقه‌های پروتستان است (ناس، ۱۳۹۵).

سوم: پیورتان‌ها: فرقه پیورتان (به معنای تحت‌اللفظی زاهدان یا زهاد یا پاک‌آیینان)، از آنجا که منشأ و ریشه مسیحیت تبشیری یا مسیحیت صهیونیسم است در این پژوهش اهمیت زیادی دارد. می‌توان این فرقه را موعودگراترین و درعین‌حال سیاسی‌ترین فرقه در میان مسیحیت دانست که از ابتدای پدیدار شدن در قرن ۱۶ میلادی نقش زیادی در حکومت انگلستان (خواستگاه اصلی این فرقه) بازی کرد و سپس با مهاجرت جمع کثیری از این فرقه به سرزمین آمریکا و ایفای نقش در بنیان‌گذاری و اداره ایالات متحده آمریکا، آثار فراوانی در وقایع امروز جهان داشته است (ناس، ۱۳۹۵).

پیشینه و مرور ادبیات پژوهش

۱- آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی یا آینده‌شناسی یا علم آینده درصدد است تا منابع، الگوها و دلایل تغییر یا ثبات یک مسئله به‌منظور توسعه آینده‌نگری و گسترش دامنه دوراندیشی را بررسی کند و انتخاب‌ها و احتمالات مختلف را در نظر بگیرد. به عبارت دیگر، آینده‌پژوهی شامل گردآوری داده‌های کمی و کیفی در مورد احتمال، امکان، اولویت و ضرورت تغییر یا تغییرات خاص است که مبتنی بر آمار موجود و احتمالات آینده است. همان‌طور که در تاریخ گذشته پژوهی به دنبال توضیح حوادث و اتفاقات گذشته و کشف دلایل و زمینه‌های رخ دادن آن‌ها هستیم، آینده‌پژوهی به دنبال درک نیروهای نهفته و خفته زمان حاضر و امکان بروز رخداد‌های آینده است. در آینده‌پژوهی تمام احتمالات وقوع یک حادثه خوب یا بد، در آینده با دقت تمام سنجیده می‌شود. آینده‌پژوهی بر آینده‌اندیشی استوار است و بستر این دو، نگرش حاکم بر جامعه است. این سه، نظامی را با عنوان نظام «نگرش آینده‌پژوهی» شکل می‌دهند که ترسیم‌گر ابعاد نظری و کاربردی آینده‌پژوهی است (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۴).

بنا بر اصل عدم قطعیت آینده به طور دقیق قابل پیش‌گویی نیست. البته غیرقابل پیش‌گویی بودن آینده، بدین معنا نیست که نگران آینده نباشیم و تنها به بخت و اقبال یا سرنوشت تکیه و اعتماد کنیم بلکه این اصل حکم می‌کند که نسبت به آینده موضع مناسب‌تری اتخاذ کنیم، نه در پی تعیین پیشگویانه آینده باشیم، نه امور را به سرنوشت یا قضا و قدر وانهییم و نه بدون طرح و برنامه قبلی حرکت کنیم (حاجیانی، ۱۳۹۱).

بر اساس پیش‌فرض‌های نگاه به آینده، لازم است تا به ساخت آینده دقت شود. برای اینکه بتوان آینده را ساخت، ضروری است تا به این پرسش پاسخ داده شود که «آینده چگونه ساخته می‌شود؟». بدین ترتیب، آینده‌پژوه تنها ناظری بیرونی نیست که آینده قطعی را می‌بیند، بلکه کسی است که در ساخت آینده‌ای مطلوب‌تر گام برمی‌دارد و می‌تواند مشارکت گروه‌های مختلف را برای ساخت آینده جلب و هماهنگ سازد. جیمز دیتور، یکی از آینده‌پژوهان برجسته، آینده را حاصل اندر کنش چهار عامل روندها، رویدادها، تصویرها و اقدام‌ها می‌داند (وقوفی، ۱۴۰۰).

بی‌شک روند و رویداد شناخته‌شده‌ترین واژه‌های آینده‌اندیشی هستند که بر دو ویژگی آینده متمرکز هستند. روند به پیوستگی تاریخی و زمانی اشاره دارد و طبق آن، آینده ادامه وضعیت فعلی دانسته می‌شود. برخلاف روند، رویداد بر گسستگی‌های تاریخی تأکید دارد و آینده را نتیجه تغییر وضعیت فعلی می‌داند. هر یک از این دو مفهوم دو جنبه از آینده را نشان می‌دهند که لازم است آینده‌پژوه به هر دو جنبه توجه کند. روند عبارت است از تغییرات منظم داده‌ها یا پدیده‌ها در طول زمان. روندها از گذشته آغاز می‌شوند و تا آینده ادامه می‌یابند؛ اما رویداد، برخلاف روند، حاصل اتفاق یا حادثه‌ای است که به شدت بر روند و به‌طور کلی بر آینده تأثیر می‌گذارد. تصویر، حاصل برداشت یا خواست افراد و گروه‌های گوناگون درباره آینده است. تصاویر به صورت‌های مختلف انتشار می‌یابند؛ از جمله در سخنرانی‌ها، گفتگوها و سناریوهای که از طرف بازیگران تهیه می‌شوند. در نهایت اقدام عملی است که بر اساس تصاویر بازیگران از آینده شکل می‌گیرد (وقوفی و زارع ساری، ۱۳۹۹).

در متون آینده‌اندیشی، پیشران‌ها اشاره به نیروهای عمده شکل‌دهنده آینده جهان دارد. بدیهی است که پیشران‌ها به صورت غیرمستقیم بر حوزه‌های مختلف تأثیر گذارند. به عبارت دیگر، مؤلفه‌ها یا عوامل اصلی متشکل از چند روند، اقدام و... که باعث ایجاد تغییر در یک حوزه مورد مطالعه

می‌باشند. نیروهای پیشران یا متغیرها مفاهیمی هستند که غیر ثابت و تغییر پذیر که تک تک اعضای نمونه تحقیق وضعیت یا حالت خاصی از آن می‌گیرند. به این معنا که همگی اعضا یا موارد نمونه از وضعیت یکسان و مشابهی از آن جهت برخوردار نباشند. اگر نیروها و عوامل، درست تشخیص داده و ارزیابی شوند، کار پیش‌بینی به سامان است، حتی اگر پیش‌بینی‌ها درست هم از کار در نیاید؛ چرا که اصل و مبنای کار درست بوده است. در بیان دیگر، نیروهای پیشران مؤلفه‌های سازنده آینده هستند که آینده را احتمالاً می‌سازند. پیشران‌ها الزاماً باعث تقویت همدیگر نمی‌شوند و ممکن است دارای اثرات متضاد و خنثی‌کننده یکدیگر باشند. پیشران این ظرفیت را دارد که صحنه را با تحولی اساسی روبه‌رو سازد. در واقع، منظور از پیشران هر چیزی است که صحنه و محیط کلان را متحول کرده و تغییر می‌دهد (وقوفی، ۱۴۰۰).

۲- مبانی آینده‌شناسی در مسیحیت

موعود در دین یهود با نام ماشیح از پسران داود شناخته شده است (کریمی و معتمدی، ۱۴۰۰). مسیح موعود یهودیان غیر از مسیح موعود مسیحیان است. یهودیان با توجه به پیشگویی‌های منسوب به عهد عتیق، در انتظار آینده‌ای درخشان در آخرالزمان‌اند که به دست ماشیح انجام می‌شود و از جانب خدای مأمور است تا این دوران را آغاز کند؛ اما مسیحیان این پیشگویی را درباره حضرت عیسی (ع) می‌دانند و معتقدند بخشی از آرمان مسیحایی در زمان مسیح تحقق یافته و تحقق کامل آن در زمان بازگشت مجدد عیسی از آسمان است؛ اما یهودیان تاکنون به ظهور مسیح دیگری امید دارند. بن‌مایه ماشیح باوری قوم یهود را در سه محور رهایی و نجات محرومین، برگزیدگی بنی‌اسرائیل و محوریت اورشلیم می‌توان جست‌وجو کرد که صهیونیسم امروزه بر محور سوم تأکید بیشتری دارد. از آسیب‌های موعودباوری و باور به وقایع آخرالزمانی، می‌توان به ظهور و بروز افرادی سودجو جهت بازی با باورها و اعتقادات عموم مردم نام برد که در طول تاریخ در ادیان مختلف وجود داشته است و گواه این مدعا وجود پیامبران دروغین به‌خصوص در ادیان مسیحیت و یهودیت می‌باشد. این سودجویان با سوءاستفاده از احساسات و باورهای مردم جهت نیل به اهداف و مطامع شخصی خود با تحریف و انحراف باورهای آخرالزمانی و ایجاد فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی بارها و بارها اعتقادات مردم را به بازی گرفته و از این نمذ کلاهی

برای خود دوخته‌اند، مهرباب صادق نیا و رضا کاظمی راد در مقاله خود با عنوان مقایسه نقش موعودباوری در ایجاد فرقه‌های نو در اسلام و مسیحیت در دو قرن اخیر، به این موضوع پرداخته‌اند. آن‌ها عواملی را در بروز چنین انحرافات مؤثر می‌دانند و به بررسی آن‌ها می‌پردازند، عواملی که بر پایه ظهور منجی موعود، سبب پیدایش فرقه‌های متعدد در دو دین اسلام و مسیحیت شده‌اند؛ عواملی همچون طرح ادعای منجی موعود بودن، ادعای نیابت از جانب شخص منجی، تاریخ‌پنداری برای ظهور و نقش شرایط اجتماعی در ظهور موعود. بدین منظور به سراغ فرقه‌های شیخیه، بابیه، بهائیت، قادیانیه و جنبش مهدی‌سودانی در اسلام و سه فرقه ادونتیسیم، مورمونیسیم و شاهدان یهوه در مسیحیت رفته‌اند (کاظمی راد و صادق نیا، ۱۳۹۲).

اندیشه مسیح‌باوری بعد از یهود در مسیحیت، با تفاوت در مبنا و اهداف یعنی نجات جامعه بشری برخلاف عقیده یهود یعنی نجات جامعه یهودی، شکل گرفت. تجسد خدا در عیسی، تصلیب، مرگ و رستاخیز ایشان پس از سه روز ارکان تشکیل‌دهنده انجیل مسیحی هستند. در کتاب انجیل برخاستن عیسی از قبر و نیز بازگشت او در آخرالزمان آمده است (یوحنا ۶: ۳۴ و لوقا ۲۴: ۲۲). بنا بر گزارش اناجیل، عیسی در روز جمعه مصلوب و در غروب همان روز جسدش توسط مردی به نام یوسف از رومیان تحویل و در قبری دفن گردید؛ اما در روز یکشنبه آن‌ها متوجه شدند که قبر عیسی خالی است. در نهایت عیسی بر شاگردانش ظاهر شده و آن‌ها را به خاطر باور نکردن زنده شدنش سرزنش کرده و بعد از بیان سفارش‌هایی در مورد جهانی‌سازی پیامش به سوی آسمان بالا رفت (مرقس، ۱۶). به باور مسیحیان عیسی (ع) در روز سوم پس از مصلوب شدن از مرگ برخاست و به سوی آسمان بالا رفت (مرقس، ۹/۱۶ و لوقا، ۵۱/۲۴). با اعلان این خبر، انتظار برای برقراری پادشاهی خداوند نه تنها فروکش نکرد بلکه فزونی گرفت؛ زیرا جنبه‌هایی از پیام عیسی رازگشایی می‌شد. عیسی که در حیات زمینی‌اش رنج کشیده و کشته شده بود به‌مثابه مسیحایی روحانی به آسمان و نزد خدا رفت و در آخرالزمان از آسمان سوار بر ابر پایین خواهد آمد (مرقس، ۱: ۹). در رساله‌های پولس که بین سال‌های ۵۰ تا ۶۵ پس از میلاد نوشته شده، بازگشت قریب‌الوقوع عیسی در چند رساله دیده می‌شود؛ اما بسیار پیش از آنکه پولس نامه‌هایش را نوشته باشد، هم انتظار آمدن عیسی در شکوه و جلال و هم رستاخیز فرجام شناختی بخشی از باور مسیحی بود. کار پولس صرفاً ربط دادن این انتظارات بود (منصوری و نصیری، ۱۳۹۶).

از جمله عبارات مربوط به رجعت حضرت عیسی (ع) در اناجیل، بحث از کلمه پسر انسان و آمدن او در پایان جهان است. از هنگامی که خداوند پسر انسان را برگزید، یعنی از پیش از آفرینش، او را همچون سرّی نزد خود نگه داشت تا در وقتی مناسب غرض خود را به واسطه او برآورده سازد. کل مسائل مربوط به او سرّ است (منصوری و نصیری، ۱۳۹۶).

قرآن گرچه باور تاریخی یهودی - مسیحی مربوط به مصلوب شدن عیسی (ع) را رد می کند (نساء: ۱۵۷ - ۱۵۸). اما اعتقاد مسیحیان به عروج عیسی به آسمان را تأیید می نماید (آل عمران: ۵۵). روایت قرآن با روایت انجیل برنابا همخوانی دارد (انجیل برنابا، فصل ۲۱۵: ۳۷۵). اما مسیحیان این انجیل را قبول ندارند. انجیل برنابا انجیلی است که در آن بشارات متعدد و صریح بر نبوت حضرت ختمی مرتبت به اسم مبارک محمد (ص) و خاتمیت آن بزرگوار و اثبات توحید باری تعالی و عبودیت حضرت عیسی (ع) و نفی تثلیث و اثبات قیامت کبری آمده است. (منصوری و نصیری، ۱۳۹۶).

قاسم زاده در مقاله «آخرالزمان از دیدگاه صهیونیسم مسیحیت»، بیان می کند که آخرالزمان به مفهوم پایان تاریخ، موضوعی است که در همه مکاتب و ادیان از آن بحث می شود. یکی از آن فرقه ای مذهبی فرقه ضاله صهیونیسم مسیحیت است که از نظر اقتصادی با بودجه میلیاردی آمریکا و هم پیمانانش حمایت می شود. این فرقه با طرح نمایی ظهور عیسی در اورشلیم، برگزیده بودن قوم یهود از طرف خداوند، ترسیم ارض موعود از نیل هرات و طرح خاورمیانه بزرگ برای اجتماع مسیحیان و یهودیان جهان در بهره کشی بشریت به نفع خود کوشیده اند (قاسم زاده، ۱۳۸۸).

بازخوانی مفهوم فرجام شناسی و سرزمین موعود به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی در بحث آخرت شناسی ادیان ابراهیمی، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد (قمی، ۱۳۸۸). یهودیت و مسیحیت را دو دین هم خانواده با پایه های اولیه یکسان می شود در نظر گرفت که شباهت های زیادی با یکدیگر دارند، در کتاب مقدس بارها از وجود موعود و نجات دهنده ای سخن به میان آورده شده است که با جبهه مقابل یعنی آنتی کرایست یا دجال مواجهه خواهد داشت و پایان تاریخ با این نجات بخش که به باور مشترک یهودیت و مسیحیت حضرت عیسی مسیح (ع) است، رقم خواهد خورد.

دین‌پناه و حسنی جهت بررسی نقش صهیونیست در انحراف دین مسیحیت و نگاه آن به آخرالزمان به منظور پیاده‌سازی اهداف شوم خود، در مقاله خود ذکر نموده‌اند که اندیشه صلح جهانی در این مکتب (مسیحیت) بر پیشگویی‌های انبیا در کتاب مقدس، مکاشفه خاص خدا در مسیح، هزاره‌گرایی، مسیحاگرایی، تدبیرگرایی، شرّ بودن جهان و تحت سیطره قدرت‌های شیطانی بودن آن و تعالیم صریح مسیح و رسولان درباره صلح، مبتنی است. برخی از این مبانی، نظیر دعوت مسیح و رسولان به صلح و بازگشت مجدد مسیح و نقش ایشان در تحقق صلح جهانی، البته بر اساس تفسیر قابل قبول، درست‌اند (دین‌پناه و حسنی، ۱۳۹۹).

اندیشه انتظار و برقراری یک حکومت جهانی تحت یک دین مشترک، باور و اندیشه‌ای است که همه ادیان ابراهیمی به‌ویژه مسیحیت متوجه و رهنمون به آن بوده‌اند، در همین راستا زهرا ابراهیمی در پژوهش خود با موضوع نگاهی به انتظار و ظهور منجی از منظر ادیان توحیدی، در خصوص این تفکر بیان داشته که اعتقاد به آخرالزمان و انتظار مصلح بزرگ جهان در اصطلاح غربی به نام فوتوریسم مطرح می‌باشد و این موضوع یکی از موضوعاتی است که در تمام ادیان توحیدی و مذاهب اعم از یهودی و مسیحی (کاتولیک-پروتستان-ارتدکس) و اسلام وجود دارد. تمام مدعیان نبوت این مسئله را به‌عنوان اصل مهم در اعتقادات دینی‌شان متذکر شده‌اند و در کتاب‌های آسمانی خود بر آن بشارت داده‌اند (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

رسول‌زاده در پژوهش دیگری با عنوان «آخرالزمان و حیات اخروی در یهودیت و مسیحیت» به دنبال فهم یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و پرسش‌های حیاتی انسان یعنی چگونگی پایان جهان و حیات پس از مرگ بوده است. وی خاطر نشان می‌کند که برای مباحثی پیرامون آمدن موعود، جاودانگی روح، پایان این جهان و فرارسیدن جهان دیگر، واژه اسکاتولوژی به کار می‌رود. این واژه به معنای شناخت آخرالزمان و آخرت، از کلمه اسکاتوس یونانی به معنای آخر یا بعد گرفته شده است (رسول‌زاده، ۱۳۸۹). در مورد انطباق روز قیامت و عصر ظهور میان دین مسیحیت و یهودیت و اسلام اختلاف وجود دارد و آن اختلاف این است که مسلمانان و برخی از یهودی مسلکان، عصر ظهور و روز قیامت را دو مقطع جداگانه می‌دانند اما مسیحیان این دو مقطع زمانی را منطبق بر هم می‌شمارند.

همه ادیان از جمله مسیحیت به موعود اعتقاد دارند. مسیحیت وقتی به سه گانه‌های «کاتولیک‌ها»، «ارتدکس‌ها» و «پروتستان‌ها» تقسیم می‌شود همه در موعودباوری با هم مشترک هستند و همه اعتقاد دارند که: «خداوند وقتی فرزند خود را در رحم مریم تجسد داد (تعبیر آن‌ها و آنچه آن‌ها در الهیات خود استفاده می‌کنند) او به صورت عیسی مسیح متولد شد و پس از مدتی عیسی مسیح به‌عنوان کفار گناهان بشر به صلیب کشیده شد؛ و می‌گویند: «مسیح پس از به صلیب کشیده شدن، زنده شد و پس از سه روز از قبر برخاست و در بین حواریون و یاران خود قرار گرفت؛ بیش از ۳۰ روز در بین حواریون حضور فیزیکی داشت؛ با آن‌ها می‌خورد، می‌نشست، برمی‌خاست، می‌خواستید، حرف می‌زد و الهیات خود را انتقال می‌داد و بعد پطروس را به‌عنوان نماینده و وصی خود معرفی کرد».

در آموزه‌های این دین آمده است که «آنگاه نشانه پسر انسان در آسمان ظاهر خواهد شد و همه طوایف جهان بر سینه خود خواهند زد و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمان می‌آید» (متی ۲۴: ۳۰). آغاز الهیات آخرالزمان مسیحیان که اصطلاحاً با عنوان «عصر آپوکالیپس» (عصر مکاشفه و شهود) از آن نام می‌برند که معادل مشهور و البته اشتباه واژه آخرالزمان است. تمام سه گانه‌های مسیحی (کاتولیک‌ها، ارتدکس‌ها و پروتستان‌ها) در این آموزه «آغاز آخرالزمان» اتفاق نظر دارند و در آن مشترک هستند. همه مسیحیان به این اعتقاد دارند که زمان مشخصی برای بازگشت مسیح نیست. اختلافی میان «کاتولیک‌ها و ارتدکس‌ها» با «پروتستان‌ها» وجود دارد. عموماً کاتولیک‌ها و ارتدکس‌ها قائل به این نظریه هستند که با آمدن عیسی مسیح، روی زمین حاکمیتی وجود ندارد. برای این اعتقاد استنادهایی نیز به آیاتی از انجیل می‌کنند که می‌گویند: «مال و سکه قیصر را به قیصر بدهید تا آنچه مال خداست به خدا بازگردد» (متی ۲۲: ۲۲). این گروه از مسیحیان در پاسخ به این سؤال که ظهور حضرت عیسی برای چیست؟ می‌گویند: عیسی مسیح در ملکوت عالم حضور پیدا می‌کند و خوبان را پیش خود می‌برد و بدها معذب می‌شوند. اعتقادی شبیه به آنچه ما در اسلام درباره قیامت به آن اعتقاد داریم. اینکه قیامت می‌شود و خوبان به بهشت و بدان به دوزخ می‌روند؛ بنابراین، ترسیمی که از دوران پس از ظهور در نزد مسیحیان وجود دارد یک حالت ملکوتی و آسمانی است؛ اما حاکمیتی روی زمین برای مسیح قائل نیستند. اینکه به‌عنوان مثال حضرت عیسی (ع) زمین را اصلاح می‌کند و سپس قیامت به

پا شود و... کاتولیک‌ها و ارتدکس‌ها چنین اعتقادی ندارند؛ اما عموم پروتستان‌ها قائل به این هستند که عیسی مسیح روی زمین حکومت خواهد کرد و از آن، تعبیر به حکومت هزارساله مسیح می‌کنند و اینکه در آن زمان به تعبیر آن‌ها، مسیحیت نیمه جهانی خواهد شد و همگان تابع مسیح و فرزند خدا خواهند شد. (shabestan.ir)

روش پژوهش

پژوهش حاضر حاصل بررسی مقالات و تحلیل محتوای کیفی در خصوص نگاه به آینده و باور به آخرالزمان در آیین مسیحیت است. با مطالعه چندین مقاله مرتبط و بررسی محتوای آن‌ها و همچنین بررسی متون انجیل‌های اربعه، باور به آخرالزمان و تصویر آینده در نگاه مسیحیت، استخراج و سپس با باورهای اسلامی و نگاه قرآن به تحریفات دین مسیحیت نتایج پژوهش ارائه می‌شود.

تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌هایی است که بیشتر در کتاب مقدس مسیحیان در زمینه‌های علم هرمنوتیک شروع و در بررسی و تحلیل‌های روزنامه‌ای، شیوه‌های مربوط به خط‌شناسی و حتی تعبیر خواب زیگموند فروید استفاده شد؛ اما باید خاطر نشان کرد که تحلیل محتوا بیشتر در قرن بیستم رواج یافت. ویژگی‌های گوناگون علوم اجتماعی، سیاسی، تاریخی آن را در مطالعات خود به کار برده‌اند. اوج استفاده از این روش در طول جنگ جهانی دوم و در دهه ۱۹۴۰ بود. هدف ابتدایی استفاده از این روش جهت بررسی و تحلیل تبلیغات و بعد از آن به منظور نیل به اهداف نظامی و امنیتی به کار بسته شد. تحلیل محتوای کیفی جایگاه ویژه‌ای بین محققین دارد و عموماً زمانی که تحلیل محتوای کمی به بن‌بست می‌رسد جهت از دست نرفتن اطلاعات ترکیبی و معناهای مختلف به کار می‌رود. با تحلیل محتوای کیفی قادریم رویکردی تجربی، کنترل‌شده و روش‌مدرانه مرحله‌به‌مرحله داشته باشیم. یکی از ویژگی‌های مهم روش تحلیل محتوای کیفی نظریه‌پردازی به جای آزمودن نظریه می‌باشد. در این پژوهش به دلیل اهمیت استفاده از معانی و اطلاعات ترکیب شده، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده تا به بهترین نحو به بررسی و مرور محتواها و پژوهش‌های حوزه آینده‌اندیشی و باور به آخرالزمان از دیدگاه مسیحیت دست یابیم.

بحث و بررسی

با مرور و مطالعه ادبیات موضوع از منظر مسیحیان، به نظر می‌رسد می‌توان پیشران‌هایی به شرح ذیل را از منظر آنان به‌عنوان چارچوب آینده‌اندیشی مسیحیت مورد توجه قرار داد. لازم به ذکر است امکان دارد در جزئیات هر کدام از سرفصل‌های ذیل در میان فرق گسترده و گوناگون مسیحیت اختلافاتی وجود داشته باشد که بررسی جزئی‌تر آن‌ها خود موضوع پژوهش‌های جداگانه‌ای است.

برای ارائه چارچوب آینده‌اندیشی از منظر مسیحیت با مدنظر قرار دادن روندها و تصاویر، می‌توان پیشران‌هایی را برای ارائه چارچوب آینده‌اندیشی مسیحیت با نگاه به بستر گذشته، حال و آینده ذکر کرد. از این جهت به نظر می‌رسد چارچوب فکری شکل‌دهنده به نگاه آینده‌اندیشانه مسیحیت به شرح ذیل باشد.

در این پژوهش با ترکیب موارد ذکر شده، برای طبقه‌بندی راحت‌تر عناوین و طرح بحث، تصاویر ذیل دو دسته تصاویر تاریخی و تصاویر آرمانی نام‌گذاری شده‌اند. تصاویر تاریخی را می‌توان به‌نوعی حاصل اندر کنش پیشران‌ها و مفاهیم اعتقادی و تجربیات گوناگون در بستر گذشته که دستگاه محاسباتی یک مسیحی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ و تصاویر آرمانی پیشران‌هایی است که از الهیات، مکاشفات و منابع اعتقادی مسیحیت ناظر به آینده شکل گرفته است.

هم‌عرض تصاویر، روندها قرار گرفته‌اند که نوعاً پیشران‌های ناظر به چالش‌ها و مسائل و مفاهیمی هستند که در حال حاضر در حال کنش و واکنش با دستگاه فکری مسیحیت هستند و ممکن است تأثیراتی در آینده و نگاه آینده‌اندیشانه مسیحیت داشته باشند.

تصاویر تاریخی شامل:

- گناه نخستین
- تثلیث
- حضرت مریم (س)
- تقابل پولس و پطرس

- عصمت پاپ یا جامعه مسیحیت
- آیین یهود به عنوان خاستگاه مسیحیت
- مکاشفات
- جنگ‌های صلیبی و مواجهه با اسلام
- جام مقدس
- رفوماسیون و جنبش اصلاح طلبی مارتین لوتر
- جنگ‌های مذهبی اروپا
- تفتیش عقاید و دعوا با علم
- تصاویر آرمانی شامل
- بازگشت مسیح
- دجال یا آنتی کرایست
- حکومت صلح جهانی (هزاره)
- سرزمین موعود
- برپایی هیکل سلیمان
- آرماگدون
- روندها شامل
- سکولاریسم
- گسترش اسلام و موج مهاجران مسلمان در کشورهای مسیحی
- فمینیسم
- تلاش برای ارائه چهره‌ای رحمانی و اهل گفتگو و تعامل از مسیحیت

۱- گناه نخستین

در باب سعادت انسان از منظر مسیحیت مباحث مرتبط با نجات شناسی مطرح می‌گردد. نجات‌شناسی در مسیحیت بر این امر مبتنی است که تمام انسان‌ها به دلیل «گناه نخستین» یا گناه موروثی، ذاتاً فاسد و در حضور خداوند گناهکار و محکوم به مرگ‌اند و مرگ عیسی بر صلیب و رستاخیز او، تنها عامل نجات انسان است. بنابراین، نجات از گناه و مرگ ابدی، از مسائل بنیادین

این بحث در اندیشه کلامی مسیحیت است. در زمان مسیح این اعتقاد وجود داشت که گناه آدم و حوا در بهشت بر همه فرزندان و نسل‌های بعدی آنان اثر گذاشته است و تمام انسان‌ها از روزی که آدم از بهشت رانده شد، گناهکار متولد می‌شوند و عیسی نیز اعلام کرد که آمده است تا افراد بشر را از گناه نجات دهد و یا «بازخرید» کند. برای بخشایش و نجات انسان از گناه و مرگ، پدر که در آسمان است، به دلیل مهر پدری به ابنای بشر، با قربانی کردن پسر خود و مصلوب شدن او، بشریت را از گناه رها ساخته و نجات داده است. این امر به نام «بازخرید گناه بشر با خون عیسی» معروف است.

۲- عوامل نجات در مسیحیت

مهم‌ترین عوامل نجات و رستگاری از دیدگاه مسیحیت عبارت‌اند از:

- فدا
- ایمان

در آیین مسیحیت از «گناه» و «شریعت» به عنوان دو مانع مهم نجات و رستگاری بشر یاد شده است. طبق تعالیم کتاب مقدس، نتیجه قطعی گناه «مرگ» است. باب‌های دوم و سوم «سفر پیدایش» چنین تعلیم می‌دهد که مرگ در نتیجه گناه وارد جهان شد. والدین نخستین (آدم و حوا) قادر به داشتن حیات ابدی بودند، ولی پس از اینکه از فرمان خدا سرپیچی کردند، مجازات گناه؛ یعنی مرگ، شامل حال ایشان گردید. گناه آدم و حوا سبب مرگ جسمی آنان نشد، ولی آن‌ها را دچار مرگ اخلاقی کرد؛ یعنی طبیعت آن‌ها گناهکار شد و از آن زمان به بعد همه انسان‌ها با طبیعت گناه‌آلود به دنیا می‌آیند.

«شریعت» دومین مانع نجات انسان، در مسیحیت معرفی شده است. در بخش‌هایی از عهد جدید به شدت علیه «شریعت» سخن گفته شده و شریعت به عنوان یکی از موانع مهم نجات بشر معرفی گردیده است. به اعتقاد مسیحیان، شخصی که گرفتار مرض گناه است، احتیاجش با شریعت و قوانین و دستورهای نیکوی اخلاقی و امر و نهی برآورده نمی‌شود، بلکه به یک پزشک روحانی احتیاج دارد که قادر باشد او را دگرگون سازد و در او فکر و قلب و اراده جدیدی بیافریند تا بتواند آنچه را که خدا از او می‌خواهد، انجام دهد. بنابراین، انجام اعمال و مناسک مذهبی نمی‌تواند هیچ نقشی در رستگاری و نجات انسان ایفا کند. منظور مسیحیان از عبادت، تحصیل نجات و بخشش

گناهان نیست؛ زیرا به اعتقاد آنان نجات را نمی‌توان به وسیله کارهایی که انجام می‌گیرد، به دست آورد، بلکه بخشش از طرف خدا رایگان به انسان عطا می‌شود، به شرطی که به مسیح ایمان آورد. از این رو، عبادت خدا نه جهت تحصیل نجات، بلکه به منظور ابراز محبت و قدردانی به خدا برای نجات رایگانی است که به انسان بخشیده است.

۳- عصمت پاپ یا جامعه مسیحیت

ارتدکس‌ها برخلاف کاتولیک‌ها به «عصمت پاپ» و مقامات کلیسایی اعتقاد ندارند، بلکه معتقدند «کلیسای جامع» یعنی مجموعه مؤمنان مسیحی، جامعه‌ای مصون از خطاست. البته مصونیت جامعه کلیسایی را کاتولیک‌ها هم به رسمیت می‌شناسند، اما معتقدند که این عصمت از طریق «معصومیت پاپ» اعمال می‌شود.

جایگاه کلیسا، در جوامع غربی، تحت تأثیر سه مؤلفه رشد سرمایه‌داری، مدرنیته و عرفی شدن جوامع غربی دستخوش تحول شده است. این سه مؤلفه، رابطه کلیسا و دولت را نیز دگرگون کرد. با این حال رویکرد جریان‌های فکری مسیحی، درباره دولت یکسان و یکدست نبوده است. سه دیدگاه کلیسایی، درباره دولت مورد بحث قرار می‌گیرد. دیدگاه نخست، جنبه تائیدگرایانه دارد و دولت سرمایه‌داری پیشرفته را مشروع می‌داند. دیدگاه دوم، برخورد اصلاحی دارد، یعنی خواستار برخی تحولات بنیادی در ساختار دولت است، ولی ارکان آن را رد نمی‌کند و دیدگاه سوم جنبه انکارگرایانه دارد و نظام‌های سیاسی غربی را به طور ریشه‌ای نقد می‌کند.

۴- حضرت مریم (س)

درباره حضرت مریم (س) نیز اختلافاتی در میان شاخه‌های اصلی مسیحیت وجود دارد. پروتستان‌ها که کتاب مقدس را بر سنت کلیسایی مقدم می‌دارند، معتقد به دوشیزگی حضرت مریم (علیه‌السلام) تا زمان تولد حضرت عیسی هستند و وجود چهار پسر و چندین دختر را برای حضرت مریم ذکر کرده‌اند؛ اما کاتولیک‌ها و ارتدکس‌ها، حضرت مریم (علیها السلام) را تا پایان عمر باکره می‌دانند و به استناد سنت کلیسایی که از قدیم باقی مانده است، متون کتاب مقدس را تأویل می‌کنند. از نظر آن‌ها، منظور عبارت‌هایی که یعقوب و یهودا را برادران عیسی (علیه‌السلام) معرفی می‌کنند، برادران دینی است و منظور از فرزندان مریم نیز، فرزندان عمو یا فرزندان خاله اوست. با

وجودی که مسیحیان معتقد به آموزه «گناه ذاتی» هستند و تمام انسان‌ها را تا زمانی که غسل «تعمید» انجام نداده باشند، گناهکار می‌شناسند، در مورد حضرت عیسی و مریم استثنا قائل شده‌اند و حکم به طهارت و پاکی آن دو مقدس می‌کنند؛ با این تفاوت که در مورد حضرت عیسی قائل به پاکی اوّلی و ذاتی، هستند. پیش‌تر پروتستان‌ها معراج حضرت مریم را مردود یا دست‌کم بدون دلیل می‌دانند؛ ولی کاتولیک‌ها بر این باورند که حضرت مریم (علیها السلام) به آسمان‌ها رفته است. در سال ۱۹۵۰ م، پاپ پیوس دوازدهم این باور را جزو اصول ایمانی تعریف کرد. وی اعلام کرد: «به کلیسا الهام شده است که مریم نیز هم چون مسیح، به‌طور یقین، با همین بدن به آسمان صعود کرده است». آموزه صعود حضرت مریم نه صرفاً تصدیق یک رویداد، بلکه بنیان مجموعه‌ای از باورها، هم چون «ملکه آسمان بودن» و مقام «شفاعت» و «واسطه بودن بین ما و خدا» و «شریک بودن در امر نجات» است.

۵- تثلیث

در منابع مسیحی «تثلیث» را این‌گونه معرفی می‌کنند: «تثلیث» واحد است. ما به سه خدا اعتراف نمی‌کنیم، بلکه به خدای واحد در سه اقسام، «تثلیثی» که از نظر جوهر واحد است. (شورای قسطنطنیه). پس اقاییم ثلاثه در یک الوهیت سهیم نیستند، بلکه هر یک از آن‌ها کامل خدا هستند: «پسر همان پدر است و پدر همان پسر است و روح‌القدس همان پدر و پسر است؛ یعنی از نظر سرشت و طبیعت یک خدا هستند.» (شورای تولدو). «هر یک از اقاییم ثلاثه، همین حقیقت، یعنی جوهر و ذات و سرنوشت الهی هستند.»

۶- مکاشفات

از نظر الهیات مسیحی، خدا پنهان است و دست نیافتنی و انسان نیز ناتوان از شناخت او؛ اما خدا برای آنکه راه نجات را به انسان بنمایاند، از نهانگاه خویش بیرون آمده، خود و اهداف و خواسته‌هایش را بر انسان آشکار ساخته است. مسیحیان هر آنچه را که خدا و یا خواسته‌ها و اراده او را آشکار سازد «مکاشفه» می‌نامند. مکاشفه‌های الهی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: مکاشفه‌های عمومی و مکاشفه‌های خاص. مصادیق مکاشفه عمومی، حضور خداوند در نظم و نظام طبیعت، حوادث تاریخی و وجدان انسان‌هاست. منظور از عمومی بودن این مکاشفه‌ها این

است که با دقت در آن‌ها، وجود خدا بر هر انسانی آشکار خواهد شد؛ اما مکاشفه‌های خاص، مواردی هستند که تنها بر افرادی مشخص و زمان‌هایی خاص رخ داده‌اند. این مکاشفه‌ها را می‌توان در معجزات، نبوت‌های پیامبران، تجسد خدا در مسیح، کتاب مقدس و تجربه شخصی افراد دید. این مکاشفه‌ها و به‌ویژه کتاب مقدس، مبنای دیانت مسیحی هستند و از این‌رو، برای مسیحیان اهمیتی بنیادی دارند.

۷- آیین یهود به‌عنوان خاستگاه مسیحیت

برخلاف آنچه امروزه مشاهده می‌شود که تقریب و همگرایی زیادی میان مسیحیت و یهود وجود دارد، بررسی سوابق تاریخی نشان می‌دهد در گذشته این‌طور نبوده و دشمنی بسیار عمیقی مابین این دو آیین وجود داشته است. کلیسا بانیان مصلوب شدن عیسی (ع) را یهودیان می‌داند و از این‌رو نفرت از یهود تا جایی ریشه دارد که در گزارش‌های تاریخی آمده است جنگجویان صلیبی در مسیر لشکرکشی به بیت‌المقدس، هر جا که به روستای یهودیان برمی‌خوردند تمام ساکنان آن را قتل‌عام می‌کردند. این دشمنی از جنبش مارتین لوتر و پروتستانیزم رو به افول نهاد و خصوصاً در آموزه‌های مارتین لوتر به طرز حیرت‌انگیزی تعریف و تمجید از یهودیان مشاهده می‌شود و توجه بیشتر به عهد عتیق در میان پروتستان‌ها گسترش یافت (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸).

۸- جنگ‌های صلیبی

ده جنگ صلیبی اتفاق افتاد که در هشت جنگ آن، مسلمانان و در دو جنگ دیگر، مسیحیان پیروز شدند. پاپ اوربان در مجمع کلرمون فرانسه در سال ۱۰۹۵ م مردم را به جهاد علیه مسلمانان دعوت کرد، اعلام کرد مسیحی‌هایی که در جنگ‌های صلیبی شرکت کنند، مشمول آمرزش عمومی می‌شوند؛ بنابراین، کلیسا با استفاده سیاسی از دین به‌عنوان یک ابزار استفاده کرد تا به اهداف دیگری دست یابد. قدرت‌گیری ترکان سلجوقی، کاهش قدرت و جایگاه پاپ و خواب پیرآرمیت را از عوامل جنگ‌های صلیبی ذکر کرده‌اند. پیرآرمیت خوابی دیده بود که می‌گویند وی وارد بیت‌المقدس شد و تربت مسیح را دید، قسم یاد کرد که آنجا را از سلطه مسلمانان خارج خواهد کرد. وی مسیح را به خواب دید که به او امر می‌کند: فرزند عزیزم پطروس! برخیز و نزد بطریق برو و نامه‌هایی را که او خواهد نوشت، بگیر و به دوستاران من برسان تا قبر من را از دست

این مشرکان نجات سازند. پیرآرمیت از خواب بیدار شده و نزد بطریق رفت و ماجرا را عیناً تعریف کرد. بطریق ناراحت شد و نامه‌هایی به پاپ و سلاطین اروپا نوشت و به پیرآرمیت داد. وی نیز نزد پاپ اوربان دوم رفت. وی بعد از خواندن ماجرا به پیرآرمیت مأموریت داد که از جانب او مردم را به جهاد تشویق کند. در این زمان، هیتی از بزرگان قسطنطنیه به نمایندگی امپراتور وارد روم شده و به حضور پاپ رفتند. مذاکره‌ای انجام شد و پاپ به منظور اعلام حکم جهاد، جمعی از بزرگان را جمع کرد و برای آن‌ها صحبت نمود. البته پاپ فهمید که در ایتالیا موفقیتی کسب نخواهد کرد. وی به فرانسه رفت و در مجمع کلرمون سخنان خود را بیان نمود و همگان را به جهاد دعوت کرد (رضایی، ۱۳۸۹).

تأثیر جنگ‌های صلیبی بر جهان مسیحیت عمدتاً از جنبه آشنایی با فرهنگ و تمدن اسلامی و مقایسه عقب‌ماندگی اروپای قرون وسطی با جهان اسلام و خیز برداشتن برای کسب دانش و جبران عقب‌ماندگی آن‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرد؛ لکن می‌توان تأثیر جنگ‌های صلیبی و نتیجه این جنگ‌ها که با پیروزی مسلمانان خاتمه یافت؛ را بر عقاید مسیحیت از منظر ترک خوردن اقتدار کلیسا و تصویر شکست‌ناپذیری کلیسا مدنظر قرار داد. به عبارت دیگر، جنگ‌های صلیبی آزمون عملی استحکام بنای اعتقادی کلیسا بود که در نهایت با شکست مسیحیان، ترک‌هایی در این بنا پدیدار گردید که می‌تواند منشأ بسیاری از تحولات بعدی جهان مسیحیت، مانند نهضت مارتین لوتر و حتی شدت گرفتن تفتیش عقاید و...، ارزیابی شود.

۹- تفتیش عقاید

کلیسا در قرون وسطی جلوی هرگونه پیشرفت علمی را گرفت و با این کار خود ضربه سنگینی به رشد و توسعه جامعه غربی وارد آورد. آنچه مانع از احیاء و پیشرفت روح علمی غرب در قرون وسطی شد، رفتار کلیسا با دانشمندان بود که مانند سدی در برابر علم عمل می‌کرد. ضروری که علم از نظریه‌های کلیسا به خود دید، بیشتر از زیانی بود که به واسطه جهل مقتضای قرون وسطی متوجه روح علمی شد. وقتی کلیسا هر عقیده علمی و جدید را مخالف با گفته‌های کتاب مقدس می‌دید، آن را رد کرده و فرد را مجبور به توبه می‌کرد و اگر توبه نمی‌کرد، با شکنجه، آزار و اذیت، او را به این کار مجبور کرده و حتی اعدام کردند. گاليله و کوپرنیک نمونه‌هایی از این دست هستند (رضایی، ۱۳۸۹).

آبای کلیسا برای مخالفان که به عنوان بدعت گذار از آن‌ها یاد می‌کردند، دادگاه‌هایی تشکیل می‌دادند و در آنجا، آن‌ها را متهم می‌کردند و برایشان پرونده تشکیل می‌دادند که این پرونده‌ها هنوز در واتیکان هست و به ندرت در اختیار محققان قرار می‌گیرد. این اسناد نشان می‌دهد که حدوداً ده میلیون انسان سوزانده شده‌اند و حدود یک میلیون زن نیز در بین آن‌ها بوده‌اند. این‌ها خارجی تلقی می‌شدند؛ یعنی از دین مسیح خارج شده بودند. آبای کلیسا، کلامی را به مسیح نسبت می‌دهند که گفته است: کسی که از دین من خارج شود، همچون درخت بی‌بهره‌ای است که باید سوزانده شود. حکم سوزاندن را از این کلام گرفته و بدعت گذاران را به میدان آورده و می‌سوزاندند و مشاهده این صحنه هم عبادت به حساب می‌آمد؛ اما مسئله‌ای که اهمیت دارد، این است که محدوده بدعت گذار از طرف آبای کلیسا، بسیار گسترده گرفته شده بود و افراد به راحتی جزو بدعت گذاران به حساب می‌آمدند و دایره معتقدان بسیار تنگ گرفته شده بود؛ بنابراین، بدعت گذار فقط کسانی نبودند که در حوزه دینی کلامی خلاف کلام کلیسا گفته باشند؛ بلکه در حوزه علوم تجربی، علوم پایه، نجوم و غیره، اگر کسی کلامی برخلاف کلام کلیسا می‌گفت، بدعت گذار شناخته می‌شد. چاپ کتاب کوپرنیک که درباره کرویت زمین است تا قرن ۱۷ م ممنوع بود؛ چون معتقد بودند که در انجیل زمین صاف توصیف شده و کوپرنیک و گالیله می‌گفتند که زمین گرد است؛ پس بدعت گذار محسوب شدند. گالیله را تا پای دار بردند و اگر توبه نمی‌کرد، او را دار می‌زدند. ژاندارک هم از طرف آبای کلیسا بدعت گذار معرفی شد (رضایی، ۱۳۸۹).

۱۰- جام مقدس

جام مقدس از جمله یادگارهای مقدس آیین مسیحیت است. یادگارهای مقدس به طور معمول به معنای بقایای فیزیکی قدیس‌ها و نیز آثار شخصی قدیس‌ها یا افراد مورد احترام است که از آن‌ها به عنوان یادگارهایی عینی و قابل احترام یاد می‌شود. طی سال‌های اخیر داستان‌ها و روایت‌هایی، خصوصاً در زمینه نمایش‌های تصویری و فیلم‌های مختلف در این باره ساخته شده است که به نظر می‌رسد برگرفته از روایت‌های سابق مسیحی و جریان سنتی کلیسا نباشد. خط مفهومی این روایت‌های جدید سینمایی عمدتاً تلاش دارد تا پیوندی میان جریان فراماسونری و مسیحیت از طریق جام مقدس ایجاد کند و پیشینه آن را به شوالیه‌های معبد نسبت دهد. بعضاً این داستان‌ها تا

آنجا پیش می‌رود که تأسیس فرقه شوالیه‌های معبد را برای محافظت از جام مقدس و همچنین حفاظت از جام مقدس را دلیل اصلی راه‌اندازی جنگ‌های صلیبی عنوان می‌کنند؛ تا جایی که ادعا می‌شود جام مقدس نمادین بوده و در اصل همان فرزند پنهان و از نسل مسیح (ع) است؛ که فرقه‌های فراماسونری محافظان شخصی او هستند و کلیسا به دنبال یافتن و کشتن اوست!

توجه به این موضوع از چند جهت حائز اهمیت است. اولاً، فاصله‌گیری از روایت غالب و سنتی کلیسا و تلاش در ایجاد تقابل با آباء کلیسا و بدنام کردن کلیسا و پاپ از طریق این روایت. ثانیاً، مقطع زمانی این موضوع که پس از سال ۲۰۰۰ میلادی آغاز شده و با کمک تکنولوژی و رسانه و جاذبه‌های سینمایی تلاش‌های زیادی برای گسترش یافتن این روایت از طریق ساخت فیلم‌های متعدد مانند رمز داوینچی، سقوط شوالیه و... انجام گرفته است. ثالثاً، زمینه‌سازی ذهنی در جامعه مسیحیان و ایجاد تصویر مشترک از اصرار بر «وجود فرزندی از نسل مسیح (ع)» که پنهانی و مخفیانه زندگی می‌کند، قرن‌هاست از دست دشمنانش فراری ست مبتنی بر اهدافی نامعلوم. رابعاً، تلاش برای تصویرسازی از جریان‌های مخفی و فراماسونری و اعتلای تصویر آن‌ها تا محافظان شخصی فرزندان مسیح (ع). پیشنهاد می‌شود این بحث در پژوهشی ذیل موضوع مسائل نوظهور در آینده‌پژوهی و آینده‌اندیشی بررسی شود.

۱۱- سکولاریسم

سکولاریسم یکی از ویژگی‌های فرهنگ، تمدن و نظام‌های سیاسی جهان غرب در یکی دو سده گذشته بوده است و بازتاب‌های بسیار فراوانی در حیات سیاسی و اجتماعی این گونه نظام‌ها بر جای گذاشته و به‌اجمال، باعث انزوای نقش مذهب و خنثی کردن حضور عینی آن در این عرصه‌ها شده است. اساساً سکولاریسم در ظروف زمانی و مکانی حاکمیت کلیسا و آباء آن در قرون وسطی شکل گرفت و بستر و خاستگاه آن، بر ویرانه‌های الهیات دگماتیک و دانش ستیز مسیحیت استوار شد و عملکرد سوء ارباب کلیسا به این موضوع شتاب خاصی بخشید (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵).

۱۲- گسترش اسلام و موج مهاجران مسلمان در کشورهای مسیحی

با افزایش تنش و ناامنی در خاورمیانه موج‌هایی از مهاجرت به کشورهای اروپایی و مسیحی شکل گرفته است که در این میان رسانه‌ها با اشاعه اسلام هراسی، گروه‌های متعصب صلیبی - یهودی با توهین به مقدسات اسلامی، مبشرین مسیحی با ترویج مسیحیت تحریف شده و... همه و همه عملاً در جبهه مبارزه علیه اسلام قرار دارند و با تمام نیرو و استفاده از تمام ابزارها در جهت تضعیف مسلمانان گوشه و کنار جهان تلاش می‌کنند؛ اما با وجود همه این تلاش‌ها دین اسلام امروزه سریع‌ترین رشد را در میان همه ادیان در آمریکا، اروپا، آفریقا و برخی نواحی دیگر جهان داشته است. به طوری که این دین، در حال حاضر دومین دین از نظر عده پیروان در اروپا و آمریکاست. تا جایی که ایده شکل‌گیری اروپای مسلمان به‌عنوان هشدار توسط برخی از اسقف‌های مسیحی اروپایی علناً اعلام و تحذیر شده است. اندرکنش مسلمانان با مسیحیان در این جوامع و نحوه برخورد جامعه دینی مسیحی با این پدیده، می‌تواند منجر به شکل‌گیری روندهای گوناگونی گردد (اکبری کریم‌آبادی، ۱۳۹۳).

۱۳- فمینیسم

در میان عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در ظهور فمینیسم نقش داشته‌اند، عامل دین (در بستر فرهنگ غرب) مهم‌ترین نقش را ایفا کرده است. تأثیر و نفوذ دین در اروپا از یک سو و رویکرد تبعیض آمیز جنسیتی کتاب مقدس و ارباب کلیسا از سوی دیگر، موجب شد که جنسیت زنان در ابتدا با تفسیر و توجیه دلخواهانه از آموزه‌های مسیحیت و سرانجام با نفی و طرد کامل آن، به تدریج به موضوع رویارویی با آموزه‌های کتاب مقدس سوق پیدا کند (طالبی، ۱۳۸۴).

۱۴- مراحل رجعت مسیح

۱- رجعت اولیه مسیح یا آمدن مسیح در هوا

مرحله اول بازگشت مسیح، شامل ربه‌ده شدن کلیسا (مؤمنان) است. در یک چشم بر هم زدن، ناگهان و بدون خبر، عیسی آنانی را که آماده بازگشت به سوی او هستند می‌رباید. او در این بازگشت به زمین نزول نمی‌کند، بلکه مقدّسان او را در هوا ملاقات می‌کنند. با این رجعت مردگان

در مسیح بر خواهند خاست و زنده خواهند شد و زندگان دارای زندگی باقی خواهند گردید. هدف از این ملاقات در آسمان، دادرسی ایمان‌داران و دادن پاداش به مؤمنان و حساب پس دادن در استفاده از استعدادها و اموال و فرصت‌هایی است که به آن‌ها داده شده بود و آماده کردن اوضاع و از بین بردن موانع ظهور است.

۲-۱۴- دوران مصیبت عظیم

مرحله اول و دوم ظهور مسیح، دوره مصیبت عظیم واقع شده است. این دوره که طبق برخی اشارات، هفت سال طول خواهد کشید، «چنان زمان تنگی خواهد شد که از زمانی که امتی به وجود آمده تا امروز نبوده است.» و «وقتی کلیسا ربوده شود، دیگر نمک و نور در جهان نخواهد بود. مدت کوتاهی بعد از ربوده شدن کلیسا تا زمانی که مردم به سوی خداوند بازگشت نکرده‌اند، بر روی زمین هیچ شخص نجات‌یافته‌ای وجود نخواهد داشت. روح‌القدس خدمت بازدارنده خود را از جهان بر خواهد داشت. در آن موقع فساد و ظلمت به سرعت زیاد خواهد شد و گناه همه‌جا را فرا خواهد گرفت و مرد بی‌دین ظهور خواهد کرد» (ادیب، roshd.balagh.ir).

۳-۱۴- سلطنت هزارساله بر زمین و رجعت دوم

وقتی سال‌های مصیبت بی‌سابقه به پایان خود نزدیک شوند، روح‌هایی از دهان اژدها، وحش و نبی کاذب خارج می‌شوند و پادشاهان جهان را برای جنگ دور یکدیگر جمع می‌کنند. آنان با هم جمع می‌شوند تا اورشلیم را تصرف نمایند و یهودیان فلسطین را به اسارت درآورند. ولی در آن موقعی که به پیروزی نزدیک شدند، مسیح با لشکریان خود از آسمان نزول خواهد فرمود و در جنگ نهایی پس از غلبه بر آنان، پیشوایانشان گرفتار و به دریاچه آتش افکنده خواهند شد. سپاهیان آنان با شمشیری که از دهان مسیح خارج می‌شود کشته خواهند شد و راه برای استقرار حکومت مسیح هموار خواهد گردید. این دوره هزار سال به طول می‌انجامد. مسیح به‌عنوان فرمانروای جهانی پرستیده شده، عدل و انصاف کامل برقرار خواهد گشت و شیطان و روح‌های شریر بسته شده و مدت هزار سال در هاویه افکنده خواهند شد، وضعیت طبیعت نیز عوض شده، بارش باران فراوان و زمین بسیار حاصل خیز و محصول زیاد و عمرها طولانی خواهد شد، شادی و سعادت و شفای بدنی و رفاه و امنیت و روابط دوستانه بین مردم برقرار و انسان «اشرف مخلوقات» بودن خود را که در موقع سقوط در گناه از دست داده بود، به دست خواهد آورد.

۴-۱۴- داوری

در ابتدای سلطنت هزارساله، داوری توسط مسیح انجام خواهد شد. برای این داوری تمام امت‌ها جمع خواهند شد و برای صالحان، حیات ابدی و برای طالحان، مجازات و آتش ابدی در نظر گرفته خواهد شد. پروتستان‌ها معتقد به رجعت مسیح در آخرالزمان و در همین دنیا هستند، اما عقیده به اخروی بودن بازگشت مسیح، در سده‌های اخیر طرف داران بیشتری در میان مسیحیان دارد. کلیسای شرق (ارتدکس)، هم‌زمان با رجعت مسیح برپایی قیامت را خبر می‌دهد:

اما حوادثی که هم‌زمان با آمدن دوباره مسیح رخ خواهد داد عبارت‌اند از:

(۱) قیامت؛ (۲) داوری نهایی؛ (۳) پایان جهان و (۴) ظهور حکومت مسیح به‌طور کامل؛ یعنی داخل شدن کلیسا در عظمت آسمانی خود.

کلیسای کاتولیک نیز در اعتقادنامه رسمی خود، اخروی بودن بازگشت مسیح را تأیید می‌کند: قبل از داوری نهایی همه مردگان برخوانند خاست و این زمانی است که همه اهل قبور صدای پسر انسان را می‌شنوند و از قبور خارج می‌شوند. از عبارت فوق استفاده می‌شود که صدای پسر انسان (مسیح) کار صور اسرافیل و آغاز قیامت را اعلام می‌کند و برگشت مسیح هم‌زمان با برپایی رستاخیز و قیامت است. بر اساس نظریه فوق، دوره هزارساله آرمانی کلیسای مسیحیت، قبل از رجعت مسیح خواهد بود (برگرفته از سایت hawzah.net).

جمع‌بندی و پیشنهادها

برای جمع‌بندی بحث در یک نگاه کلی می‌توان مدل تصویر ۱ را به‌عنوان پاسخی برای سؤال اصلی پژوهش در نظر گرفت. این پژوهش برای نخستین بار به ارائه چارچوبی مبتنی بر آینده‌اندیشی از منظر مسیحیت پرداخت و تلاش شد تا حتی‌الامکان عناوین مرتبط با این امر احصا شده و تصویر جامعی از نگاه مسیحیت نسبت به آینده، ارائه شود.

بر همین اساس تلاش گردید با مدنظر قرار دادن عنصر «زمان» که موضوعی کلیدی در مطالعات آینده‌پژوهی است؛ و تلفیق آن با الهیات، عقاید، رخدادهای تاریخی و وعده‌های تبشیری، مطابق نگاه دیتور مبنی بر پایه‌های چهارگانه ساخت آینده یعنی روندها، تصاویر، اقدامات و رویدادها، مدل مفهومی برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش استخراج گردد. لازم به ذکر است

از آنجا که این پژوهش به دنبال چارچوب آینده «اندیشی» از منظر مسیحیت بوده است، بنابراین رویدادها که برخلاف روند عبارت‌اند از گسستگی‌های تاریخی که آینده را بر اساس تغییر وضعیت فعلی می‌سازد؛ از موضوع بحث خارج است. به همین ترتیب اقدام نیز عملی است که بر اساس تصاویر بازیگران از آینده شکل می‌گیرد (وقوفی، ۱۴۰۰). پس به نظر می‌رسد چارچوب آینده‌اندیشی، شامل تصاویر و روندها باشد که طی عبرت‌ها از وقایع تاریخی، یا وعده‌ها و روایت‌ها و مکاشفات آرمانی، تصویر شده باشند و یا بر اساس مسائل و چالش‌های کنونی یک تفکر و اندرکنش این احوالات که می‌تواند به شکل‌گیری روند منجر شود، تشکیل گردد و اقدامات نیز بر اساس تجزیه و تحلیل این مبانی صورت می‌پذیرد.



فهرست منابع

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۵). عوامل پیدایی و پایایی سکولاریسم در جهان مسیحی. دانش سیاسی، ۲(۴)، ۳۷-۶۸.
- اکبری کریم‌آبادی، نورالدین. (۱۳۹۳). نقش اسلام‌هراسی در افزایش گرایش به اسلام در اروپا و آمریکا. پژوهش‌های منطقه‌ای، دوره جدید(۱۳)، ۱۵-۵۲.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). مبانی اصول و روش‌های آینده‌پژوهی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- خزایی، س. محمودزاده، ا. (۱۳۹۲). آینده پژوهی، اصفهان، علم آفرین.
- حقانی فضل، محمد. (۱۳۸۸). گونه‌های مکاشفه خداوند در الهیات مسیحی. دوفصلنامه هفت‌آسمان، ۱۱(شماره پیاپی ۴۴)، ۸۸-۶۵.
- دین پناه، حسن. (۱۳۹۷). بررسی مقایسه‌ای پیش‌گویی امامیه و مسیحیت صهیونیسم درباره عصر ظهور؛ تحقق حکومت جهانی عدل و صلح. معرفت ادیان، ۱(پیاپی ۳۷)، ۴۳-۲۵.
- عیوضی، م. پدارم، ع. (۱۳۹۴). نظام نگرش آینده پژوهی اسلامی، راهبرد اجتماعی فرهنگی صادق نیا مهرباب، کاظمی راد رضا، (۱۳۹۲). مقایسه نقش موعودباوری در ایجاد فرقه‌های نو در اسلام و مسیحیت در دو قرن اخیر. تهران: مشرق موعود.
- رضایی، مرضیه. (۱۳۸۹). سیاست مذهبی کلیسا در دوره قرون وسطی (با تکیه بر جنگ‌های صلیبی). فرهنگ پژوهش بهار، شماره ۶، ۱۰۸-۸۷.
- زارع ساری، علیرضا و وقوفی، امید. (۱۳۹۹). آینده‌اندیشی از منظر امام خمینی (ره). آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۱(۳)
- شیرخدائی، انسیه و لاجوردی، فاطمه. (۱۳۹۲). ضد مسیح در مسیحیت. پژوهشنامه ادیان، ۱۴، ۷۵-۹۶.
- طالب، حسن. (۱۳۸۳). نجات‌شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام. طلوع، شماره ۱۰ و ۱۱.
- طالبی، مسعود. (۱۳۸۴). نقش کتاب مقدس و ارباب کلیسا در ظهور فمینیسم (قسمت اول). مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۸، ۱۷۵-۲۱۱.
- قاسم‌زاده، حسینعلی. (۱۳۸۸). آخرالزمان از دیدگاه صهیونیسم مسیحیت. پیام نور در حوزه علوم اسلامی، ۱(۰)، ۱۷۵-۱۸۹.
- قاسمی قمی، جواد. (۱۳۸۸). مبانی آموزه بازگشت مسیح در کتاب مقدس. مشرق موعود، ۹(۱۴)، ۱۳۸-۱۴۵.
- کریمی، سید حسن و معتمدی، منصور. (۱۴۰۰). آینده‌اندیشی از منظر یهود. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، شماره ۵، ۱۴۵-۱۱۳.
- ناس، جان. (۱۳۹۵). تاریخ جامع ادیان (ترجمه علی اصغر حکمت)، نشر چلچله.
- وقوفی، امید. (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر مبانی آینده‌پژوهی اسلامی. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۲(۲)، ۸۹-۵۷.

نشریه علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی

همامی، عباس و پوراسماعیل، احسان. (۱۳۸۷). تطبیق و مقایسه دجال در اسلام با آنتی کرایست در مسیحیت. پژوهش دینی، ۱۶، ۷-۲۲.

منصوری، محمدهادی؛ نصیری، مبشره؛ (۱۳۹۶). کیفیت سنجی و تحلیل کارآمدی بازگشت عیسی علیهم السلام از منظر عهدین و منابع اسلامی، مشرق موعود، شماره ۴۲، ۲۵۱-۲۷۸.

دین پناه، حسن؛ حسنی، سیدعلی؛ (۱۳۹۹). بررسی و نقد مبانی صلح جهانی آخرالزمان در مسیحیت صهیونیستی، معرفت ادیان، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۴۳، ۸۳-۱۰۲.

ابراهیمی، زهرا، نگاهی به انتظار و ظهور منجی از منظر ادیان توحیدی، نشریه نامه الهیات، سال ۱۳۸۶ - شماره ۱ رسول زاده، عباس، آخرالزمان و حیات اخروی و یهودیت و مسیحیت، نشریه معرفت ادیان « بهار ۱۳۸۹ شماره ۲ عهد جدید، انتشارات ایلام، ترجمه هزاره نو، چاپ ۲۰۰۵، انگلستان، ISBN 1-904992-00-5

<https://hawzah.net> سلسله مقالات آشنایی با آیین مسیحیت (۱ تا ۲۰)/

<http://shabestan.ir>

مقایسه دکترین منجی گرایی در اسلام و مسیحیت، سید محمد ادیب آل علی <https://roshd.balagh.ir/content/900>

